

شعر هجائی در زبان کردی

مصطفی کیوان

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

یکی از علل مهم بقای حیات ایرانی در نشیب و فراز تاریخ ایران و جهان و در برابر رویدادهای بزرگ سیاسی و اجتماعی، پایداری درخت برومند زبان و ادبیات آن است، که هیچگاه تیشه‌های جباران و ستمگران و سیل حوادث را نیروی برکندن و ازپای درآوردن آن نبوده است. اگر گاهی، این درخت سترگ، در فراز و نشیب روزگار، و در اندک زمان، روی به تزلزل نهاده، دگر باره از جهات مختلف، ریشه دوانده، جوانه زده، و ذوق اصیل ایرانی، بیش از پیش در اصول و عروق آن، جریان یافته است. و به همت والای نگهبانان ادب و هنر ایران زمین، یعنی گویندگان و نویسندگان توانا، آبیاری شده و به صورت درخت کهنسال و گهربار امروز درآمده است.

زبان کردی یکی از مهمترین شاخه‌های این درخت عظیم است که از روزگاران گذشته تاکنون در برابر تحولات گوناگون، پایدار مانده است. شاهد صادق بر این مدعی اینستکه، بسیاری از ویژگیهای زبان و ادبیات قدیم ایران، همچون دانه‌های میوه‌ای شیرین و دست نخورده، طوری در این زبان، جلوه‌گری می‌کند، که می‌توان به عنوان مأخذی پرمایه و بی‌پیرایه، در تدوین تاریخ جامع زبان فارسی، از آن بهره گرفت. با اینحال، ذکر این نکته بجاست که، هدف از

نوشتن این گفتار، تحقیقی مفصل، در زمینه پیوند زبان کردی با زبانهای قدیم ایران نیست.

زیرا با توجه به وسعت و عمق این پیوند، شایسته است که کتابی جداگانه در این موضوع نگاشته شود. در این گفتار، تنها در قلمرو شعر هجائی، یعنی یکی از این جهات مشترک (آن هم با رعایت جانب اختصار) سخن می‌رود. تا هم نموداری کوچک از این پیوند وسیع ارائه شود و هم با زبان و وزن شعر مولوی، یعنی شخصی که این کنگره در بزرگداشتش بر پا شده است، مناسبت داشته باشد. زیرا یکی از ویژگیهای مهم سخن مولوی، اصالتی است که در زبان و وزن شعرش می‌بینیم.

گفتار عبارتست از یک سلسله ارتعاشات صوتی متوالی، که پیاپی به گوش شنونده می‌رسد، و شنونده، در عین شنیدن این رشته ارتعاش، پاره‌هایی در آن تشخیص می‌دهد که به منزله حلقه‌های متوالی زنجیر است. این حلقه‌ها، یا بریده‌های صوتی را هجایا سیلاب گویند. شعر هم نوعی گفتار یا مجموعه‌ای از کلمات است، که به ترتیب خاص، در پی یکدیگر قرار گرفته باشد. و وزن عبارتست از نظم و تناسب موجود در اصوات آن. به عبارت دیگر، وزن شعر که امری ادراکی و حسی است، نتیجه نظم و تناسبی است که در اصوات ملفوظ ایجاد شده است. اما از آنجا که صوت به دلیل تعدد و چگونگی سلسله ارتعاشات مولد آن، دارای ویژگیهایی نظیر درجه شدت، میزان امتداد، اندازه زیر و بمی و چگونگی زنگ یا طنین است، بر حسب آنکه کدامیک از این ویژگیها، پایه و اساس ایجاد نظم قرار گیرد، وزن شعر، انواع مختلف پیدا می‌کند. شعری را که شماره هجاهای موجود در آن، ملاک ایجاد نظم یا عامل تشخیص وزن باشد، شعر هجائی خوانند. در اینگونه شعر، غالباً کلمات، به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند، که شماره هجاهای هر دسته، با دسته‌های دیگر، برابر است. از

سوی دیگر، مسلّم است که هر زبان، ویژگیهای دستوری و تلفظی مربوط به خود را داراست. زبان کردی هم از این قانون مستثنی نیست، و با توجه به این ویژگیهای تلفظی، که سخن گفتن از آن خارج از حدود این گفتار است، استعدادهای خاص برای ایجاد نظم هجائی و برقراری اینگونه وزن در شعر دارد. تا آنجا که، گذشته از شعر، اگر در گفتگوی روزمره دو نفر کردی زبان نیز دقت کنیم درمی یابیم که بسیاری از جمله ها و ترکیبات، از وزن هجائی مخصوصاً ده سیلابی برخوردار است. مثلاً یکی به دیگری می گوید: «ثم وه ختت به خیر» یا «ثوارت به خیر» دیگری پاسخ می دهد: «دیدارت به خیر» «برای خوشه ویست» «سپاسهت ده که م».

هر یک از این جمله های محاوره ای و معمولی، پنج هجائی کامل، یعنی پنج پاره یا بریده صوتی است. که نیمی از یک بیت ده سیلابی کردی را تشکیل می دهد.

قدیمی ترین اثر شعری در فرهنگ ایرانی که به این شیوه بیان شده، سخنان زردشت است، که در ضمن کتاب دینی اوستا، در بخشی به نام «گاتاها» یا «گانه ها» آمده است، لفظی که به معنای سرود است.

مضامین این سخنان، راز و نیازهای روحانی و پرجاذبه زردشت، با خدای یگانه، یا اهورا مزداست. بخشهای گوناگون گانه های زردشت، شامل سخنان موزون ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۹ هجائی است. قسمت مهمی از یشتها که بخش دیگر اوستاست، هشت هجائی است. در همین بخش یشتها، اشعار ده هجائی و دوازده هجائی نیز وجود دارد. که در اشعار ده هجائی آن، غالباً درنگ و مکث، در وسط شعر است.

از شعر هجائی در زمان ساسانیان، اطلاعات بیشتری در دست است، مانند سخنان مانی، در کتاب شاپورگان و رساله درخت آسوریک که قطعات پنج تا ۱۱

هجائی در آن موجود است. در میان اوزان هجائی دوره ساسانی ظاهراً وزن هشت هجائی بیش از دیگر وزن‌ها رواج داشته است. مثلاً بسیاری از بخشهای منظوم نوشته‌های مانی در این وزن است و وزنهای شش و هفت هجائی را نیز، به هنگام خواندن، گاه با کشش یک یا دو حرف به ویژه حروف مصوت، به هشت هجائی رسانده‌اند.

شواهد موجود، گویای آن است که پس از رواج عروض عرب، باز هم شعر هجائی تا مدتی در ایران رواج داشته و گویندگان ایرانی در این زمینه طبع آزمائی کرده‌اند.

سرانجام، به مرور زمان، اوزان هجائی در زبان فارسی، جای خود را به افاعیل عروضی داده است. حال آنکه زبان کردی، این ویژگی مهم شعر و ادب ایرانی را زنده و پربار نگهداشته است. رواج و رونقی که این زبان تا کنون در شعر کردی، برای وزن ده هجائی فراهم ساخته است، بسی بیشتر از رواج و رونق آن در ایران باستان است.

واژه اوستائی «گاتا» یا «گائه» در زبان پهلوی «گاس» شده، یعنی ثای مثلث در آخر آن به صورت (س) درآمده است. جمع این کلمه را «گاسان» و نسبت به آن را گاسانیک نوشته‌اند. سرانجام واژه اوستائی پهلوی (گاس) در زبان فارسی بعد از اسلام (گاه) شده است.

کلمه (گاس) که در پهلوی به معنی (آهنگ و سخن موزون و جا و محل و دفع‌ای از زمان) بوده است، در فارسی دری نیز پس از تبدیل به گاه با همین معانی، رواج یافته است.

مفهوم دیرین این کلمه، در قلمرو موسیقی و آهنگ و شعر، و در معنی پرده و نوای موسیقی، در ترکیبات دو گاه و سه گاه و چهارگاه، به خوبی پیداست. این کلمه با مفاهیمی که در زبان پهلوی و سرآغاز فارسی دری داشته، پس از ترجمه

به کلمه (مقام) خصوصاً در معنی پایه و پرده موسیقی، به زبان عرب نیز راه یافته است.

کلمه (مقام) و مفهوم اصیل و ایرانی و ظاهر معرب خود، در زبانهای فارسی و کردی هم قبول عام یافته، و در فرهنگها و آثار ادبی این دو زبان ثبت و ضبط شده است.

هم‌اکنون کلمه (مقام) و صورت مقطوع آن یعنی (قام)، در برخی لهجه‌های کردی به معنی آهنگ و سخن غنائی و اشعاری است که با آهنگ خوانده می‌شود، و با کلمه کردی (گۆرانی) به معنی آواز، مترادف است.

واژه‌های دیگری نیز در زبان کردی برای مفاهیم غنائی به کار می‌رود. مانند، بیت یا حیران و یا، لاوک، این کلمات، بیشتر به نثرهای موزون یا برخی اشعار هجائی اطلاق می‌گردند که مفهوم قصه و حکایت و سرگذشت، یا وصف و ستایش و بیان وقایع را شامل‌اند. برخی «حه‌یران» ها، مضامین عاشقانه دارند و برخی نیز در وصف جنگها یا قهرمانیها و یا مبارزه با تجاوزکاران و ستمگران و زورگویان گفته شده‌اند. در هر حال، یکی از ویژگیهای قابل توجه در هر یک از این سخنان، وزن هجائی موجود در بسیاری از آنهاست.

گذشته از «به‌یت» یا «حه‌یران» و یا «لاوک» که غالباً طولانی و دارای وزن هجائی‌اند، بسیاری از ترانه‌های کردی نیز، وزن هجائی دارند. ضرب‌المثل‌های فراوان هم، در زبان و ادبیات کردی دیده می‌شوند که دارای وزن هجائی‌اند، و از مفهوم آنها پیداست که یا مفردات زیبا و دلنشین و یا بیتی از یک قالب شعری بوده‌اند، که به دلیل داشتن محتوای پر مغز، به مرور زمان، قبول عام یافته و به صورت مثل رایج در آمده‌اند.

اینک به ذکر مثالهایی از اوزان هجائی کردی می‌پردازیم و یادآور می‌شویم که در انتخاب این نمونه‌ها، به امثال و حکم کردی بیش از ترانه‌ها و دیوانهای

شاعران توجه شده است تا، اولاً جانب اختصار رعایت گردد. ثانیاً آوردن ضرب‌المثل‌های متعدد، که هر یک جلوه‌ای از ذوق و قریحهٔ یک یا چند نفر است، بیش از یک قطعه شعر یا یک ترانه که مجموعهٔ ابیاتش سرودهٔ یک نفر است، مؤید گفتار است و موجب کثرت شواهد نکتهٔ دیگر اینکه در آوردن مثالها، از ترجمهٔ آنها به فارسی، خودداری شده است، تا هم موجب طول کلام نشود، و هم رشتهٔ افکار، از توجهٔ آنها به موضوع اصلی گفتار، یعنی بررسی اوزان هجائی گسسته نگردد. تنها شاهد ترجمه شده، قطعه شعر ده هجائی «هرمزگان» است که مربوط است به زمان حملهٔ اعراب به ایران و جداگانه در خور بررسی و توجه است.

مثال از سه هجائی: دهردی دل، بو ژیرگل - نهوه نرز، نهوه گز - حهق به حهق، نانی رهق - کئی کردی، کئی بردی - هم نانه، به و روئه.

مثال از چهار هجائی: ناگره سوری، له خوّم دوری. یا: ناگره سوره، له خوّم دوره. نه گهر له کین، گشت چون به کین. به شه و جهرده، به روژمه رده.

ههنگ له ماکی، کچ له داکی. دهنگی ده هوّل، له دور خوشه دهنگی هه به، رهنگی نیه. کرده ی نهوه، برده ی شه یتان. له م سهر مالم، به له بالّم.

هر یک از مثالهای یاد شده، اعم از سه یا چهار هجائی، یک بیت کامل است و هر نیم بیت آن، سه یا چهار هجا.

مثال از پنج هجائی: ناشتی کتک و مشک، پرسه ی به قاله.

نهوجی به خوشه، که دلی لی خوشه. مزگهوت روخواه، محرابی ماوه. هه ر لایی ناهه، که چه ل فزاشه.

هر مثال مرکب است از دو مصراع پنج هجائی

مثال از شش هجائی: نهوی پیم ته کرد خیر، لیم بو به گورگ و شیر من ناغاو تو ناغا، کئی جیمان بو راخا؟ - و یا مانند این سه مصراعی هه تیو چه سوار بو، لای لفکه ی خوار بو،

نامه‌ردیگرن هار بو.

مثال از هفت هجائی:

ئاو بېزى له روځانه	خوڼايى به بېگانه
گهر تۆ نه بى به يارم	خوآ نه سازينى كارم
ئه گهر مو به به خت نه بو	كه چهل زور به دبه خت نه بو
خواهنى باخو بېستان	شهرمه زاره به زستان
خويه كى گرت به شيرى	تهركى ناكا به پيرى
دهرگاي كس مه ته قينه	تا دهرگات نه ته قينن
شه و نه نوئى به جاي گايه	روژيش نه لهى پاشايه
مه زوانه سه رى تاسى	بزوانه به ختى خاسى

بوکى په نادىواريت، روژ هه مو روژ به تاليت، به شه و ناو مال نه ماليت (سه مصراعى)
 نوپژكه رى نوريتى، فرمانكه رى شيرينى، هيچ نه كه رى قيرينى (هفت هجائى
 سه مصراعى)

* * *

مثال از هشت هجائى:

ئاوئى بېروا بو روځانه	خویش بيخوا نه ك بېگانه
به زستانان پينه و په زؤ	به هاوینان ورد ورد بړؤ
ئه گهر خله مالى نه كرد	له مولكى خوى گالى نه كرد
ئهم سهر نه كاو نه و سهر نه كا	پاره نه كاو پينه نه كا
بوکئ نيه تى شيوى شه وئ	نه موستيله ليمان ده وئ
ته مال نه لئى هه موى نه خؤم	دوايى نه لئى چيم كرد به خؤم
به چكه گه دا مه خه ته ما	به چلئى كه مادپته سه ما

تومه نیکی من دومه نم بیجگه له گورزو که مه نم
 من بوم به تو، تو بوی به من من بوم به جن، تو بوی به ژن
 خزمی ژنان، بهره بهره خزمی میردان ده ربه ده ره

* * *

مثال از ده هجائی: پیش از پرداختن به مثالهایی از شعر ده هجائی، یادآور می‌شویم که رواج این وزن، هم در قلمرو و امثال و حکم و ترانه‌های عامیانه و هم در دیوانهای شاعران کرد، بسی بیشتر از همهٔ وزنهای یاد شده است. تا آنجا که دیوان غالب شعرای متقدم و معاصر کرد، در همین وزن است، که یکی از آنها، دیوان مولوی، شاعر بلند پایهٔ کرد است که این وزن و شیوهٔ شیوا را، همراه با دریایی از واژه‌های اصیل کردی اورامی، یعنی، نزدیکترین لهجهٔ کردی، به زبان پهلوی، دربر دارد. و همانطور که قبلاً اشاره شد، بررسی آن از دیدگاه اصالت وزن و زبان ویژگیهای دستوری، کاری ارزنده است که ظاهراً، تاکنون توجهی به آن نشده است. و اگر زمینه مناسبی هم در نوشتار و گفتار، برای پرداختن به این موضوع، پیش آمده باشد، با بی‌اعتنائی و سکوت، همراه بوده است.

به عنوان مثال، اشاره می‌کنیم که استاد محمد علی قره‌داغی در گفتاری تحقیقی و سودمند و مفصل، مندرج در «گوڤاری کۆزی زانیاری کورد» جلد ششم، زیر عنوان «شارۆیه ک له باخچه‌ی ئه‌ده‌بی مه‌وله‌وی» می‌نویسد: «مه‌وله‌وی، هه‌مو شیعه‌کانی له سه‌ر یه ک کیشن و، وه‌کو شاعیرانی تر، سودی له کیشه‌کانی» «عه‌روزی، وه‌ر نه‌گرتوه».

استاد قره‌داغی، این نکته را یکی از دلایل آمیختگی اشعاری از دو شاعر دیگر، با شعر مولوی در یک نسخهٔ خطی دانسته است. گرچه سخن ایشان، موضوعی جداگانه و دور از گفتار ما است، اما آنچه جای تأمل و تعجب است

اینست که حتی اشاره‌ای به نوع وزن شعر مولوی نکرده و فقط یادآور شده است که: «مولوی، تمام اشعارش در یک وزن است و مانند دیگر شاعران، از وزنهای عروضی استفاده نکرده است».

طبعاً برای خواننده، این سؤال پیش می‌آید که: پس، شعر مولوی که در اوزان عروضی نیست، در چه وزنی است؟ و چرا نویسنده مقاله «سیری در باغچه ادب مولوی» در این مورد، سکوت کرده است؟

در هر حال، این نکته واقعیتی است که یکدست بودن وزن شعر مولوی، و آن هم وزن شیوا و دلنشین ده سیلابی، امتیازی بزرگ برای این دیوان و گوینده آن است، و دژی محکم برای پاسداری از یک ویژگی دیرین ذوق و قریحه و زبان قوم کرد و اقوام ایرانی دیوان مولوی، هم فرهنگی از واژه‌های اصیل کردی و ایرانی است و هم گویای اصول و قواعد دیرینه دستوری - زبان استواری و پایداری در برابر حوادث روزگار است.

به راستی همانطور که شاعری کردی زبان، در وصف سنگلاخها و کوهستانهای اورامان و مریوان گفته است:

«لاژی تهق تهق و زیگا بهردی زل نهو بهردهی فهله ک پی نه داوه تل»

باید اعتراف کرد که زبان و وزن شعر مولوی نیز، به استواری کوهستانهای دیار او است، که در عین حفظ ویژگیهای دیرین خود، به زیورهای ادبی نیز، آراسته است.

چون وهلگ شادی من، وای دوری لهیل وهیشوم بهرد، نهوهرد، نهو رشته‌ی سوهیل

از همین یک بیت پیداست که حرف «واو» قدیم زبانهای ایرانی در فارسی و برخی لهجه‌های کردی به «یا» تبدیل شده، ولی در لهجه کردی اورامی، محفوظ مانده است. «وهلگ» و «وا» به معنی «برگ» و «باد»، و یا حرف «لام» قدیم که به

«را» تغییر یافته است. وه لگ = برگ

تازیز شوخ و شهنگ شیرین تاره‌نی تاهوی بی تاهوی وهش ره‌فتاره‌نی
در این بیت، گذشته از کلمه اصیل (وهش) به معنی «خوش» کاربرد واژه «آهو»
را در دو معنی «غزال» و «عیب» می‌بینیم. خاقانی نیز در این بیت، اشارتی در
همین دو معنی دارد:

بینی آن جانور که زاید مشک نامش آهو و او همه هنر است

خالی از هر گونه تعصب، در می‌یابیم که مولوی، این دو کلمه را بسی زیباتر و
دلنشین‌تر به کار برده، و در قالب جناس تام آورده است.

یا ضمایری مانند «ویم» و «ویت» به معنی «خودم» و «خودت» و یا مصدر
«شدن» در مفهوم دیرین آن یعنی رفتن، و بسیاری نکات دیگر، شاهدان صادق،
بر اصالت زبان شعر مولوی هستند.

قاصد شو وه‌لای ئه و نه و نه‌مامه چون یاوای، پیش‌دهر، ئه‌ی جواو نامه
یا ترکیب: «پرهون» به معنی «پرخون» در این بیت:

ئیمشه و ته‌نیا بی جه‌سته‌ی زه‌بونم دیسان سه‌رواز کرد، دله‌ی پرهونم
که در آن کلمه «خون» تقریباً به همان صورتی است که در کردی چهارده قرن
پیش بوده، و در قطعه کردی «هورمزگان» آمده است. قطعه شعری که مربوط به
زمان حمله عرب به ایران است و در مقایسه آن با لهجه‌های کردی امروز، در
می‌یابیم که بیش از همه زبان شعر مولوی نزدیک است. و وزنش هم همان ده
سیلابی است.

هورمزگان زمان تاتوران کوژان هوشان شاردده‌وه، گه‌وره‌ی گه‌وره‌کان
زور کار ته‌ره‌ب کرد نا‌خاپور گنانی پاله، بشی شاره‌زور
ژن و کنیکان، وه‌دیل بشینا می‌رد تازاتلی، ژه‌روی هوینا

رهوش زهردو شتره ماننه‌وه بی‌دهس به‌زه‌یکانه‌یکا، هورمزو هویچ که‌س
ترجمه:

پرستشگاهها ویران شد، آتسها خاموش
خود را پنهان کرد بزرگ بزرگان
ستمگران عرب ویران کردند
شهرهای پاله (پهلوی) را تا بروی به شهر زور
زنان و دختران به اسیری رفتند
آزاد مردان در خون غلتیدند
روش زردشت بی‌دستیار ماند

اهورا مزدا بر کس رحم نمی‌کند

اینجانب قطعه «هرمزگان» را ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «پیوستگی زبان کردی با زبانهای فارسی، پهلوی و اوستایی»، از دیدگاه وزن و واژه‌های اصیل آن، بررسی کرده‌ام که در شماره مرداد ماه سال ۱۳۲۵ مجله ادبی یغما به چاپ رسیده است. نقل آن در این گفتار، تنها از این لحاظ است که قدیمترین نمونه شعر هجائی کردی است و با شعر مولوی جهات مشترک بسیار دارد.

یکی از ویژگیهای بارز این شعر و همه اشعار ده هجائی کردی این است که هر لخت آن در حقیقت، یک بیت کامل است و دارای ده سیلاب یا هجا به شیوه‌ای که پس از هجای پنجم، وقف یا سکونی دارد که به منزله حد فاصل دو مصراع از یک بیت است.

هورمزگان زمان	ئاتوران کوژان
و یا مانند این بیت عامیانه کردی:	
خاللی هاوہ بان	گوژنای پیروژو
وه ک چراوایه	به‌نه که روژو

شعر «هرمزگان» که به خط پهلوی و بر روی پوست آهو بوده، در اوایل قرن جاری، یعنی قرن بیستم میلادی، در شهر سلیمانیه پیدا شده است. یابنده شعر، آن را برای روزنامه شرق نزدیک فرستاده و همان موقع در روزنامه مذکور، چاپ و منتشر شده است.

شادروان ملک الشعرا بهار، نسخه‌ای از آن را از مرحوم دکتر سعید کردستانی، طیب فاضل و ادیب و شاعر، که در آن زمان، مقیم تهران بوده، به دست آورده است. و در مهرماه سال ۱۳۱۶، یعنی ۵۵ سال پیش، به عنوان نمونه‌ای از شعر ده سیلابی، در بخشی از سلسله مقالات شعر در ایران، در مجله ادبی مهر به چاپ رسانده و درباره آن، چنین اظهار نظر کرده است:

قطعه کردی هرمزگان، به زبان قدیم اورامانی گفته شده و در نزد فضلا و دانشمندان کردستان، مورد اهمیت و طرف توجه است. این اشعار دارای قافیه است ولی به طرز مزدوج یعنی (مثنوی).

به هر صورت، شکی نداریم که دارای نشانه و علامت وزنی از اوزان باستانی ایران است. و باید گفت که قدیمترین شعر کردی و یکی از نفایس اشعار هجائی شعبه‌ای از شعب زبان ایرانی است. از وزن معتدل و تناسب و آهنگ لطیف و دلنشین آن که هر شنونده را مجذوب ترجیعات و حسن ابتدا و حسن ختام آن می‌سازد، بعید نباید دانست که در مدت سیزده قرن که از سرودن آن می‌گذرد، هنوز مثل آن است که تازه گفته شده است. و از قوت تحفظ نژاد کرد، باید ممنون بود که در این مدت دراز نگذاشته است، این وزن و شیوه شیوا، از میان برود و مانند سایر ایرانیان به کلی مفتون اوزان تازه و اختراعی قرون آینده شوند».

گفتار را با قطعه شعری زیبا و دل‌انگیز که در همان وزن ده هجائی است به پایان می‌بریم. همراه با آرزوی تندرستی و موفقیت برای همه دوستان و برادرانی که در بزرگداشت مولوی، شاعر گرانمایه کرد، به تلاش و تکاپو پرداخته‌اند.